

چین و روسیه به دنبال ایران و عربستان هستند

چراغ سبز فنلاند و سوئد برای پیوستن به ناتو قرار است بزرگ‌ترین گسترش ائتلاف نظامی غربی به رهبری ایالات متحده در چند دهه اخیر را به همراه داشته باشد. در همین حال، G۷، متشکل از کشورهای ناتو و هم‌پیمان ایالات متحده یعنی ژاپن، خط سخت‌تری را علیه روسیه و چین اتخاذ کرده است.

به گزارش سایت خبری پرسون، وبسایت هفته‌نامه معتبر نیوزویک در گزارشی به بررسی اوضاع پس از تغییرات در ناتو پرداخته است.

نیوزویک می‌نویسد: در شرق، بلوک‌های متمرکز بر امنیت و اقتصاد به رهبری پکن و مسکو به دنبال جذب اعضای جدید از جمله ایران و عربستان سعودی هستند؛ دو رقیب بانفوذ در خاورمیانه که علاقه به تقویت همکاری آنها در این جبهه جدید می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر تعادل ژئوپلیتیک جهانی داشته باشد.

دو کشور مورد بحث، سازمان همکاری شانگهای (SCO) و بریکس هستند. اولی در سال ۲۰۰۱ به عنوان یک ائتلاف سیاسی، اقتصادی و نظامی شش‌عضوی شامل چین، روسیه و کشورهای آسیای مرکزی قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان قبل از ورود هند و پاکستان در سال ۲۰۱۷ تأسیس شد، در حالی که دومی گروهی از قدرت‌های اقتصادی نوظهور در ابتدا شامل برزیل، روسیه، هند و چین در بدو تأسیس آن در سال ۲۰۰۶ و همچنین آفریقای جنوبی در سال ۲۰۱۰ بود.

«متیو نیاپول»، کارشناس امور بین‌الملل و مشارکت‌کننده در موسسه مک‌دونالد لوریه در کانادا می‌گوید: «بریکس و سازمان همکاری شانگهای در یک ویژگی ایدئولوژیک مهم مشترک هستند: هر دو بر چند قطبی بودن متمرکز هستند و اجلاس سران آنها حتی گاهی پشت سر هم با یکدیگر برگزار می‌شود.»

ایران که پیش‌تر ناظر سازمان همکاری شانگهای بود، روند رسمی عضویت خود را در بحبوحه آخرین نشست سران رهبران در سپتامبر آغاز کرده بود. روز دوشنبه، وزارت امور خارجه ایران اعلام کرد که جمهوری اسلامی نیز به دنبال پیوستن به بریکس است.

همانطور که سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه در جریان سفرش به عربستان در اواخر ماه مه فاش کرد، این کشور حاشیه جنوبی خلیج فارس نیز بنا به گزارش‌ها درخواست عضویت در بریکس را بررسی کرده است. این اعلان پس از پیوستن عربستان سعودی به آرژانتین، مصر، اندونزی، قزاقستان، نیجریه، سنگال، تایلند و امارات متحده عربی به دعوت چین برای گفت‌وگوی «بریکس پلاس» صورت گرفت که پس از آن، وانگ ونبین، سخنگوی وزارت امور خارجه چین اعلام کرد که اعضا در این خصوص به اجماع رسیده‌اند.

از میان این نامزدها، آرژانتین پیش‌تر برای عضویت درخواست داده که این به‌طور بالقوه موقعیت این گروه را به سمت یک بازیگر اصلی در روابط اقتصادی بین‌المللی ارتقا می‌دهد و با توجه به اینکه سازمان همکاری شانگهای نیز به دنبال رشد است، پکن و مسکو امکان دارد، آماده باشند تا تلاش خود را برای تغییر تعادل نفوذ بین‌المللی به سمت گروه وسیع‌تری از کشورهایی که لزوماً به یک نظم بین‌المللی به رهبری ایالات متحده اعتقادی ندارند، پیش ببرند.

نیاپول می‌گوید، یک بلوک منسجم SCO-BRICS می‌تواند تأثیر زیادی بر تغییر شکل نظم جهانی داشته باشد.

او در این باره گفت: «این بلوک اگر بتواند در جایگاه خود به عنوان پرچمدار جهان جنوبی یا G۲۰ موفق باشد، سازوکارهای سازمانی قوی ایجاد کند و به طور کامل ادغام شود، می‌تواند کاملاً تأثیرگذار باشد.»

رویکرد چندقطبی بریکس به امور بین‌الملل هم برای ایران و هم برای عربستان سعودی جذاب است. با این حال، دو ملت دلایل منحصر به فرد خود را برای عضویت دارند.

برای ریاض، این اقدام احتمالاً کمتر مربوط به انتخاب طرف‌ها در برابر روابط نزدیکی است که برای چندین دهه با واشنگتن ایجاد کرده و بیشتر در مورد وضعیت رو به رشد این کشور به‌عنوان یک بازیگر مستقل است.

«محمد الحامد»، رئیس «گروه نخبگان» عربستان می‌گوید: «دعوت چین از پادشاهی عربستان سعودی برای پیوستن به بریکس تایید می‌کند که این کشور نقش مهمی در ساختن دنیای جدید دارد و به بازیگری مهم و اساسی در تجارت و اقتصاد جهانی تبدیل شده است. چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی با سرعت مطمئن و جهانی در همه زمینه‌ها و بخش‌ها به پیش می‌رود.»

این چشم‌انداز که توسط محمد بن سلمان یک سال قبل از انتصاب به‌عنوان ولیعهد در سال ۲۰۱۷ رونمایی شد، طرحی را برای تنوع بخشیدن به اقتصاد وابسته به نفت کشور و ارائه تصویری جدید از پادشاهی به مردم و جامعه بین‌المللی نشان می‌دهد.

بن سلمان به دنبال تقویت همکاری با ایالات متحده است، به ویژه هنگامی که جو بایدن، رئیس‌جمهوری این کشور ماه جاری میلادی برای نخستین دیدار خود از عربستان آماده می‌شود. بایدن اما زمانی مدعی نقض حقوق بشر در این کشور شده بود. از سوی دیگر عربستان روابط با روسیه و چین را در سال‌های اخیر گسترش داده است. پیوستن به بریکس نشان‌دهنده تعهد به عزم ریاض در برخورد با دیگر قدرت‌های بزرگ است و نشان‌دهنده پیروزی قابل‌توجهی برای تلاش به منظور تقویت چارچوب‌های اقتصادی ایجاد شده خارج از حمایت ایالات متحده و متحدان آن است.

نیوزویک در ادامه نوشت: در عین حال، از جمله کشورهایی که به دنبال مقابله با فشار اقتصادی آمریکا هستند، ایران است. تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران در واکنش به فعالیت‌های هسته‌ای این کشور در سال ۲۰۱۵ پس از دستیابی به توافق هسته‌ای چندجانبه با آمریکا و دیگر قدرت‌های بزرگ از جمله چین، فرانسه، آلمان، روسیه و بریتانیا، لغو شد، اما دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا این توافق را در سال ۲۰۱۸ رها کرد و به شدت بر توانایی تهران برای تجارت با جامعه بین‌المللی تأثیر گذاشت.

بایدن برای بازگشت احتمالی به توافقی که در دوران معاونت ریاست جمهوری و در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما به دست آمده بود، مذاکراتی را انجام داده است. با این حال، سلسله مذاکراتی که از آوریل سال گذشته برگزار شده، تاکنون به نتیجه‌ای نرسیده است.

نامیدی از تغییر سیاست در واشنگتن باعث شده است که تهران به‌طور فزاینده‌ای به منطقه خود برای مشارکت استراتژیکی که به طور فزاینده با پکن و مسکو ایجاد کرده است، نگاه کند.

نیوزویک در ادامه از قول کارشناس خود می‌نویسد: مقامات ایرانی به این نتیجه رسیده‌اند که ایالات متحده و متحدان غربی آن هرگز اجازه نخواهند داد که جمهوری اسلامی ایران نقش منطقه‌ای شایسته خود را به عنوان یک قدرت میانی ایفا کند.

بنابراین، آنها تصمیم گرفته‌اند با نزدیک شدن بیشتر به نهادهای غیرغربی مانند سازمان همکاری شانگهای و بریکس، تلاش‌های آمریکا برای منزوی کردن ایران را خنثی کنند. علاوه بر این، ایرانیان نظم جهانی آینده را شرقی می‌دانند و تلاش می‌کنند به سازمان‌هایی نزدیک شوند که قدرت‌های شرقی مانند روسیه و چین در آنها نقش بسزایی دارند.

سازمان همکاری شانگهای و بریکس به‌عنوان جایگزینی برای سازمان‌های غربی ایجاد نشده‌اند و کارکرد خاص آنها بر اساس تقابل با غرب یا نظم جهانی موجود تعریف نشده است.

با این حال، رقابت بین‌المللی رو به رشد تنها کارکرد متعادل‌کننده سازمان‌های غیر غربی مانند SCO و BRICS را تشدید کرده است. و در اینجا ایران می‌تواند به‌عنوان یک دارایی مهم برای هر دو ائتلاف عمل کند.

این وب‌سایت افزود: پیوستن به یک قدرت میانه‌رو با رویکرد ضد غربی مانند ایران به این نهادها می‌تواند این جنبه سازمان همکاری شانگهای و بریکس را تقویت کند. ایران تحت شدیدترین تحریم‌ها در دهه اخیر بوده، اما توانسته است قدرت خود را در منطقه به‌طور قابل توجهی گسترش دهد.

و مانند عربستان سعودی، ذخایر نفت و گاز ایران آن را به یک شریک استراتژیک مهم تبدیل می‌کند، به ویژه با توجه به تشدید اصطکاک بر سر انرژی جهانی که با تحریم‌های غرب علیه روسیه و رقابت شدید بین پکن و واشنگتن تشدید شده است.